

راه سوم تأمین مالی برای اقتصاد ایران

میان تنگنای بودجه عمومی و فشار وام‌های بانکی، صندوق‌های نیکوکاری الگویی نو عرضه می‌کنند؛ الگویی که برای اقتصاد، هم شفاف، هم مشارکت‌زا و هم کم‌هزینه است

یادداشت
N E W S



مرتضی عزتی

کارشناس اقتصادی

نرخ بهره؛ تراز ناتمام اقتصاد ایران

در اقتصاد ایران، پول همواره یکی از کمیاب‌ترین نهاده‌های تولید بوده است؛ نهاده‌ای که دسترسی به آن می‌تواند مسیر رشد یک بنگاه را هموار کند یا با هزینه‌های سنگین، چرخه تولید را کند و فرسوده سازد. در کشوری که بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری‌ها همچنان به منابع بانکی وابسته است، نرخ سود نه یک عدد ساده در ترازنامه بانک‌ها، بلکه یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده آینده تولید، اشتغال و رشد اقتصادی به شمار می‌رود. قاعده روشن در همه اقتصادها این است که نرخ سود باید به گونه‌ای تنظیم شود که هم سپرده‌گذار انگیزه نگهداری منابع خود در شبکه بانکی داشته باشد و هم تولیدکننده بتواند با هزینه‌ای منطقی منابع مورد نیاز خود را تأمین کند. اما در ایران این تعادل سال‌هاست با اختلال مواجه شده است. بازار سرمایه هنوز توان ایفای نقش کامل خود در تأمین مالی را پیدا نکرده و نظام بانکی نیز با مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌ها، هزینه‌های بالا و مشکلات ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، تعیین نرخ سود به یک معادله پیچیده تبدیل شده است؛ معادله‌ای که دو سوی آن، سپرده‌گذار و تسهیلات‌گیرنده، قرار دارند و هر تصمیم اشتباه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد به همراه داشته باشد. در سوی نخست، بانک‌ها برای جذب سپرده‌ها ناگزیرند نرخ‌هایی پیشنهاد کنند که برای صاحبان نقدینگی جذاب باشد. اما افزایش سود سپرده‌ها بدون توجه به سمت دیگر بازار پول، یعنی هزینه تأمین مالی، می‌تواند فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کند. امروز بخش قابل توجهی از تسهیلات بانکی با نرخ‌هایی ارائه می‌شود که هزینه واقعی آن برای بنگاه‌ها در پایان سال، با احتساب سایر هزینه‌ها، می‌تواند به سطوح بسیار بالایی برسد؛ هزینه‌ای که برای بسیاری از واحدهای تولیدی در شرایط رکود و کاهش قیمت خرید، سنگین و حتی بازدارنده است. از سوی دیگر، مسئله تنها نرخ سود نیست، بلکه نحوه تخصیص منابع نیز اهمیت دارد. بخشی از تقاضای تسهیلات به فعالیت‌های مولد اختصاص می‌یابد، اما بخشی دیگر به مصرف یا حتی رفتارهای سفته‌بازانه وارد می‌شود. هنگامی که منابع بانکی به جای تقویت تولید، به سمت خرید ارز، دارایی‌های غیرمولد و فعالیت‌های کوتاه‌مدت هدایت شود، نتیجه چیزی جز بی‌ثباتی بیشتر در بازارها نخواهد بود. سیاست‌گذار پولی باید میان افزایش جذابیت سپرده‌گذاری و جلوگیری از رشد هزینه تأمین مالی تولید، تعادل برقرار کند. مسئله اصلی در نهایت به ساختار نظام بانکی بازمی‌گردد. فاصله قابل توجه میان سود پرداختی به سپرده‌گذاران و سود دریافتی از تسهیلات‌گیرندگان، نشانه‌ای از هزینه‌های انباشته و ناکارآمدی‌هایی است که نباید بار آن بر دوش تولیدکننده قرار گیرد. شعب پرهزینه، دارایی‌های کم‌بازده و ساختارهای ناکارآمد اداری، بخشی از هزینه‌هایی هستند که در نهایت از مسیر نرخ تسهیلات به اقتصاد تحمیل می‌شوند. اصلاح نظام بانکی، کاهش هزینه‌های زائد و تقویت نظارت بانک مرکزی، می‌تواند این شکاف را کاهش دهد.

“

از درمان و آموزش تا پروژه‌های شهری و ارزی؛ صندوق‌های نیکوکاری می‌توانند دامنه‌ای وسیع از نیازهای توسعه‌ای را پوشش دهند و منابع را به جریان بیندازند



نظام اقتصادی ایران در بزنگاهی تاریخی قرار دارد که نیازمند بازنگری در الگوهای سنتی تأمین مالی است. پروژه‌های زیرساختی و طرح‌های کلان عمرانی، سال‌هاست که در بند «تأمین مالی بانکی» یا بودجه‌های محدود دولتی «گرفتار مانده‌اند؛ مسیری که در نهایت، به خلق نقدینگی، کسری بودجه و تورم ساختاری ختم می‌شود. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در این زمینه، تحلیلی آسیب‌شناسانه و راهگشا ارائه می‌دهد که صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری را نه به عنوان نهادهای خیریه سنتی، بلکه به مثابه ابزاری کارآمد و مدرن برای تخصیص بهینه منابع معرفی می‌کند. این

سرمایه‌های خرد و کلان در قالب صندوق‌های نیکوکاری تجمع می‌شوند، دیگر نیازی به استقراض از سیستم بانکی نیست و این یعنی کاهش فشار پولی بر اقتصاد کلان. این مدل، در واقع هنر تبدیل مشارکت اجتماعی به یک نیروی محرک صنعتی است که نه تنها نقدینگی را در کشور نمی‌بلعد، بلکه سرعت چرخش آن را در مسیر پروژه‌های ملی افزایش می‌دهد. اقتصاد ایران برای خروج از رکود طرح‌های نیمه‌تمام، بیش از هر زمان به چنین راهکارهای بازارمحوری نیاز دارد که همزمان شفافیت، سودآوری اجتماعی و انضباط مالی را به ارمغان می‌آورند.

شفافیت؛ رکن اعتماد عمومی

ساختار عملکردی این صندوق‌ها، بر پایه نظارت دقیق و قانونی سازمان بورس و اوراق بهادار بنا شده است. برخلاف شیوه‌های غیررسمی تأمین مالی که همواره با ابهام و ریسک‌های حکمرانی همراه بوده‌اند، مدل پیش‌نهادهی مرکز پژوهش‌های مجلس، بر شفافیت حداکثری تأکید دارد. ارکان نظارتی، متولیان آمین و حسابرسان مستقل، تضمین‌کننده سلامت جریان مالی در این صندوق‌ها هستند. گزارش‌های دوره‌ای، میزان منابع جذب‌شده و نحوه تخصیص سرمایه به پروژه‌ها، به صورت عمومی منتشر می‌شود که این امر، اعتماد عمومی را جلب کرده و مشارکت‌کنندگان را نسبت به سرنوشت سرمایه‌شان مطمئن می‌سازد.

نظام حکمرانی اقتصادی در کشور، همواره با چالش جلب مشارکت بخش خصوصی و مردم در پروژه‌های کلان روبه‌رو بوده است. مدل نیکوکاری مالی، این چالش را با ایجاد پیوندی عمیق میان دغدغه‌های خیرخواهانه و نیازهای زیرساختی کشور حل می‌کند. نیکوکارانی که پیش‌تر تنها به کمک‌های نقدی بلاعوض می‌انداختند، اکنون می‌توانند با سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها، در ساخت یک بیمارستان، یک دانشگاه یا یک مرکز پژوهشی مشارکت کنند و اثر بلندمدت منابع خود را بر توسعه‌ی کشور مشاهده نمایند؛ این یعنی تبدیل «احسان» به «سرمایه‌گذاری پایدار». پایداری این صندوق‌ها در گرو همین اعتماد است که تنها از طریق انضباط مالی و ارائه گزارش‌های شفاف و مستند به دست می‌آید. وقتی خیرین مشاهده می‌کنند که منابع آن‌ها چگونه به جای سوختن در تورم، به زیرساختی برای رفاه عمومی تبدیل می‌شود، انگیزه مضاعفی برای تداوم حمایت مالی ایجاد خواهد شد که این چرخه، یکی از ستون‌های اصلی پایداری اقتصادی در بلندمدت محسوب می‌شود.

گستره بی‌پایان حوزه‌های فعالیت

توسعه این ابزارها، مرزهای جغرافیایی و تخصصی را درنوردیده و حوزه‌های متنوعی را پوشش می‌دهد. مراکز درمانی، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، مدارس، مراکز فرهنگی و هنری، مجموعه‌های ورزشی، پارک‌ها، راه‌ها، پل‌ها و پروژه‌های شهری تنها بخشی از مقاصد این سرمایه‌ها هستند. نگاه راهبردی این گزارش، صندوق‌های نیکوکاری را از حصار خیریه‌های سنتی خارج کرده و به قلب عملیات زیرساختی کشور وارد می‌کند.

حتی شرکت‌های دارویی و مراکز نوآوری که برای توسعه‌ی تکنولوژی نیازمند منابع مالی پایدار هستند، می‌توانند از این طریق، نیازهای خود را تأمین کنند. نکته‌ی حائز اهمیت، امکان راه‌اندازی صندوق‌های نیکوکاری ارزی است. ایرانیان خارج از کشور، بخشی از ظرفیت عظیم مالی ملی هستند که همواره مشتاق مشارکت در توسعه‌ی سرزمین مادری‌شان بوده‌اند. ایجاد بستر امن و قانونی برای جذب منابع ارزی این عزیزان جهت اجرای پروژه‌های خاص، نه تنها فشار ارزی وارد بر سیستم بانکی را کاهش می‌دهد، بلکه راهکاری هوشمندانه برای تجهیز منابع مورد نیاز طرح‌های استراتژیک است. این صندوق‌ها، با تنوع بخشی به روش‌های تأمین مالی، انعطاف‌پذیری نظام اقتصادی کشور را در برابر تکانه‌های خارجی و محدودیت‌های بودجه‌ای افزایش می‌دهند. به جای تکیه بر درآمدهای نفتی یا استقراض خارجی، این ابزارها با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و سرمایه‌های انسانی فراوانی، الگویی از «اقتصاد مقاومتی هوشمند» را به نمایش می‌گذارند که در آن، منابع به جای ماندن در دارایی‌های غیرمولد، به موتور محرک توسعه تبدیل می‌شوند.

اولویت بندی هوشمند پروژه‌های ملی

افزایش سرعت اجرای پروژه‌ها، محصول مستقیم حذف بوروکراسی بانکی و اتکا به منابع جمعی است. پروژه‌هایی که به دلایل کمبود بودجه، سال‌ها معطل مانده‌اند، با استفاده از نقدینگی تجمع‌شده در این صندوق‌ها، جان تازه‌ای می‌گیرند. این سازوکار، زمینه‌رایی برای اولویت‌بندی دقیق‌تر طرح‌ها فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که پروژه‌هایی با بالاترین آثار اقتصادی و اجتماعی در اولویت تخصیص منابع قرار می‌گیرند. این یعنی بهره‌وری حداکثری از منابع محدود. سیاست‌گذاران اقتصادی با پذیرش این پارادایم، می‌توانند مدیریت تقاضای سرمایه را بهبود بخشند. تجمع منابع در قالب‌های تخصصی، موجب شکل‌گیری همکاری میان بخش خصوصی، نهادهای عمومی و بازار سرمایه می‌شود. صندوق‌های نیکوکاری با ایجاد سازوکاری شفاف، نه تنها منابع را جذب می‌کنند، بلکه با پایش مستمر عملکرد پروژه‌ها، تضمین‌کننده اثر بخشی هزینه‌کردها هستند. استفاده از این ابزار، به معنای بازتوزیع مسئولیت توسعه میان آحاد جامعه و نهادهای مالی است. در نهایت، صندوق‌های نیکوکاری باید از حاشیه به متن اقتصاد کشور بیایند؛ چرا که جایگزینی منابع پرفشار بانکی با منابع ثبات‌بخش بازار سرمایه، نه یک انتخاب، که مسیر ناگزیر ایران آینده است. نظام مالی آینده کشور، نیازمند نهادسازی‌های هوشمندانه بر پایه‌ی مشارکت عمومی است؛ مسیری که در آن، هر رyal سرمایه‌گذاری شده، نه یک هزینه، بلکه سنگ‌بنایی برای ساختن فردایی آبادتر و پائین‌تر خواهد بود. دستیابی به این چشم‌انداز، مستلزم عزم جدی نهادهای حاکمیتی در تسهیل فرآیندهای قانونی و اطلاع‌رسانی گسترده به عموم مردم است تا این ظرفیت عظیم، از قوه فعلیت به درآید.

۷۰۳ همت تاوان ناپایداری برق

وقتی برق از مدار تولید خارج می‌شود، زیان فقط در توقف کارخانه‌ها خلاصه نمی‌ماند؛ زنجیره تأمین، هزینه تمام‌شده، اشتغال و افق سرمایه‌گذاری نیز همزمان آسیب می‌بیند

بنگاه‌ها را در بازارهای رقابتی متزلزل می‌سازد. پیامدهای این محدودیت‌ها اما تنها به محیط کارخانه محدود نمی‌شود. قطعی برق، زنجیره تأمین را نیز دچار اختلال می‌کند و با ایجاد وقفه در تأمین مواد اولیه، تحویل محصول و هماهنگی میان بخش‌های مختلف، هزینه‌های لجستیکی و بی‌نظمی در برنامه‌ریزی تولید را افزایش می‌دهد. کارشناسان هشدار می‌دهند ادامه این وضعیت، علاوه بر فشار بر تولید، اشتغال، صادرات و روند رشد اقتصادی کشور را نیز تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد.

لزوم ثبات برای سرمایه‌گذاری

زارعی با اشاره به وعده‌های پیشین درباره بهبود تأمین برق صنایع گفت قرار بود در سال ۱۴۰۵ محدودیت‌های برق کاهش یابد و انرژی بیشتری به بخش تولید اختصاص پیدا کند، اما این هدف تاکنون محقق نشده و صنایع همچنان با قطعی برق روبه‌رو هستند. او تأکید کرد که متولیان مربوطه باید درباره دلایل عملی نشدن این وعده پاسخگو باشند. به گفته وی، رئیس‌جمهور نیز با محوریت حمایت از تولید، تصریح کرده که قطع برق صنایع باید خط قرمز باشد و واحدهای تولیدی نباید در اولویت خاموشی قرار گیرند. فعالان صنعتی معتقدند اجرای کامل این رویکرد می‌تواند فشار بر بنگاه‌ها را کاهش دهد و ثبات بیشتری به روند تولید ببخشد.

تأکید دارد که آثار افت تولید تنها به کاهش حجم تولید کالا محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم اشتغال، سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نگاه او، هر ساعت خاموشی در یک واحد صنعتی می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدهای منفی، از تأخیر در تحویل سفارش‌ها و افزایش هزینه‌ها گرفته تا افت بهره‌وری و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی را به دنبال داشته باشد. بر همین اساس، وزارت صمت معتقد است صنعت موتور رشد اقتصادی کشور است و اختلال مستمر در آن، در سطح کلان نیز به کاهش پویایی تولید و کند شدن روند رشد اقتصادی منجر می‌شود.

فشار مضاعف بر زنجیره تولید

سختگوی وزارت صمت، معدن و تجارت اعلام کرده در بسیاری از شهرک‌ها و نواحی صنعتی، محدودیت و قطعی برق تقریباً به‌صورت هفتگی اعمال می‌شود؛ وضعیتی که مانع فعالیت واحدها با ظرفیت کامل شده و بهره‌وری را کاهش داده است. تداوم این روند، افزون بر افت ظرفیت عملیاتی بنگاه‌ها، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و توان رقابت صنایع را در بازارهای داخلی و خارجی تضعیف می‌کند. وقتی تولید با توقف یا کاهش مستمر روبه‌رو می‌شود، هم قیمت تمام‌شده محصولات بالا می‌رود و هم امکان پایداری به تعهدات زمانی و قراردادی کاهش می‌یابد؛ مسئله‌ای که جایگاه

تداوم ناترازی انرژی و محدودیت برق برای واحدهای تولیدی، از یک مشکل فنی فراتر رفته و به تهدیدی جدی برای صنعت، اشتغال و سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. خاموشی‌ها تنها موجب توقف موقت تولید نمی‌شوند، بلکه کاهش ظرفیت تولید، اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌ها، افزایش هزینه تمام‌شده و افت رقابت‌پذیری صنایع را نیز به دنبال دارند. سختگوی وزارت صمت با اشاره به خسارت‌های گسترده قطعی برق، بر لزوم جلوگیری از خاموشی صنایع و اجرای کامل دستور رئیس‌جمهور تأکید کرده است. این وضعیت، علاوه بر زیان بنگاه‌ها، بر اشتغال، درآمد سرانه، رشد اقتصادی و کل زنجیره ارزش صنعتی اثر منفی می‌گذارد و تداوم آن، جبران خسارت‌ها را دشوارتر می‌کند.

هزینه سنگین خاموشی تولید

عزت‌الله زارعی، سختگوی وزارت صمت، معدن و تجارت، اعلام کرده است که خسارت ناشی از قطعی برق در بخش صنعت طی دو سال گذشته به حدود ۷۰۳ همت رسیده است؛ به‌طوری‌که ۳۰۳ همت از این عدم‌النفع مربوط به سال ۱۴۰۲ و ۴۰۰ همت مربوط به سال ۱۴۰۴ بوده است. به گفته او، بخش عمده این زیان مستقیماً از قطعی برق و توقف تولید ناشی شده و نشان می‌دهد ناترازی انرژی چه فشار سنگینی بر تولید ملی وارد کرده است. زارعی